

چادر دنباله دار

چادر نماز مامان
هر روز نماز و قرآن

بزرگ نبودم زیاد
روی زمین می افتاد

بعد نماز هزار بار
چادر دنباله دار

از طرف مادرم
قدّ خودم، روسرم

قشنگه ورنگارنگه
دلّم همیشه تنگه

برای من بزرگ بود
ولی باهاش می خوندم

چون که قدم کوتاه بود
دنباله‌ی چادرم

مامان بهم گفته بود
ستاره هستی با این

هدیه‌ی جشن تکلیف
یه چادر کوچیک بود

با اینکه چادر من
واسه چادر مامان





نماز قبل تکلیف

خسته و گریون شدم
خیلی پریشون شدم

به مسجد کوچمون
کوچیک بودم براشون

مادرم آروم کرد
وضو غصه مو کم کرد

نزدیکه اما خدا
همیشه بیشتر از ما

به سمت مسجد با هم
خدایا دوستت دارم

امروز غروب تو کوچه
از دست این بچه ها

اونا می رفتن نماز
ولی منو نبردن

با گریه رفتم خونه
با هم وضو گرفتیم

می گفت که تکلیف تو
دوست داره بچه ها رو

هر دو تا پر کشیدیم
گریه ی من خنده شد



نماز اولی‌ها

مثل گلای بهار
برای اولین بار

لباس خیلی قشنگ
با گلای رنگارنگ

کنار دوستان خوب
با آرزوهای خوب

دلای شادمونه
همیشه یادمونه

ما بچه‌های سوم
با هم می‌رفتیم نماز

همه پوشیده بودن
چادر نماز سفید

عجب نماز خوبی
چه جمع مهربونی

یاد خدا مهمون
نماز امروز ما



نماز گنجشک‌ها

چقدر قشنگ می‌خونن
قدرِ همو می‌دونن

همیشه غرق آواز
همیشه فکر پرواز

دارن دعا می‌کنن
شکرِ خدا می‌کنن

با هم آواز می‌خونن
دارن نماز می‌خونن

غم دلشون نینه
به بالشون نشینه

جیک و جیک و جیک، گنجشگا
تو آسمون کوچه

همیشه همراه هم
همیشه شاد و زیبا

بابا می‌گه که اونا
با جیک جیکو، جیک و جیک

وقتی تو کوچه‌ی ما
باز بونِ گنجشگی

خدا! دعا می‌کنم
سنگای تیر و کمون



خروس سحر خیز

خروس نازی داره
هوای بازی داره

قوقولی قوقومی خونه
توی حیاط می مونه

به گوشمون نیومد
صداش بیرون نیومد

قوقولی قوقوهوار کرد
نماز صبح بیدار کرد

صداش چه دل نشینه
کوچه ی ما همینه

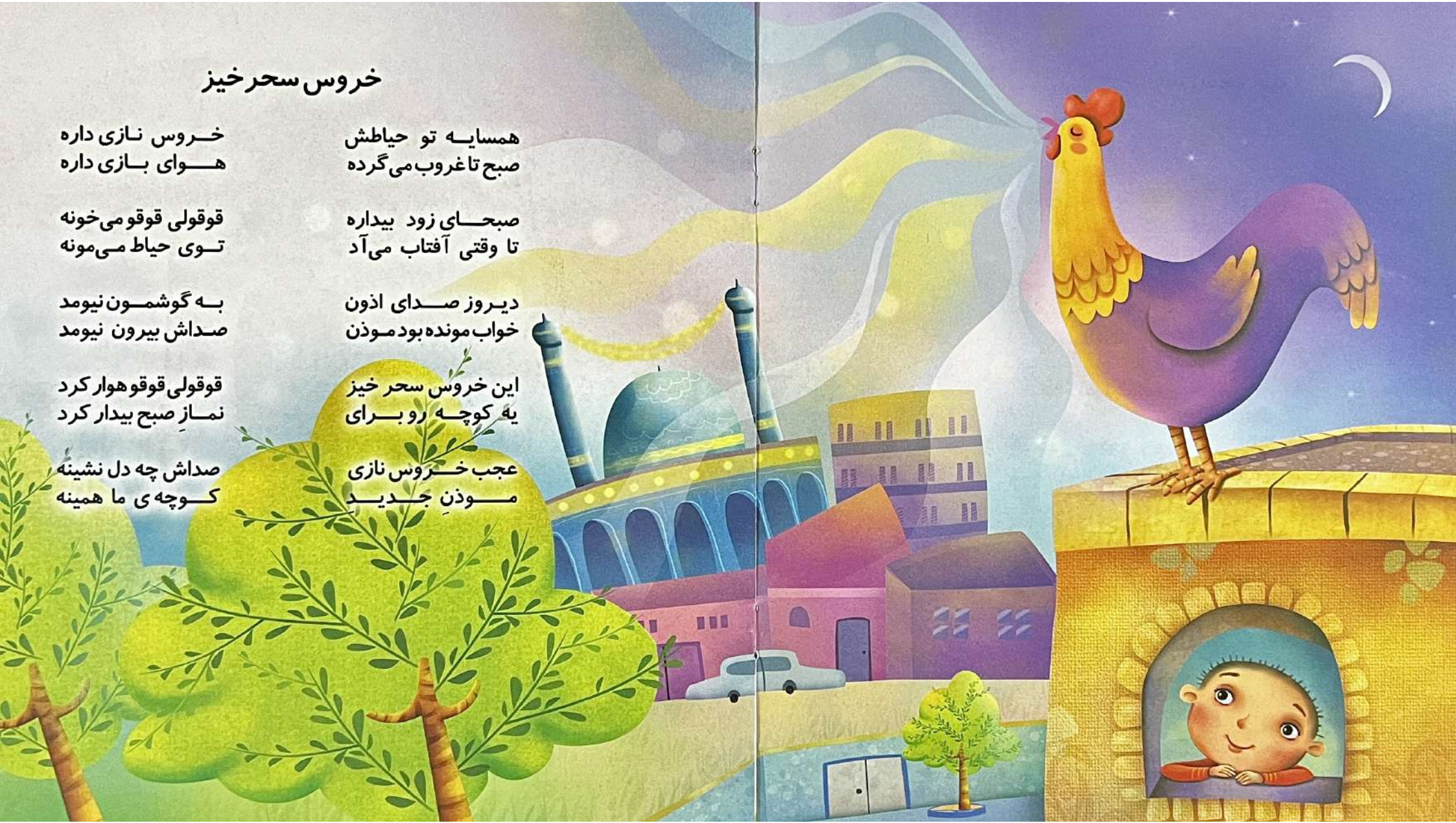
همسایه تو حیاطش
صبح تا غروب می گرده

صبحای زود بیداره
تا وقتی آفتاب می آد

دیروز صدای اذون
خواب مونده بود موذن

این خروس سحر خیز
یه کوچه رو برای

عجب خروس نازی
موذن جدید



نماز خونه‌ی ما

مرتب و تمیزه
برای ما عزیزه

از بچه‌های زرنگ
گلدونای رنگارنگ

با پرده‌های آبی
دوستش دارن حسابی

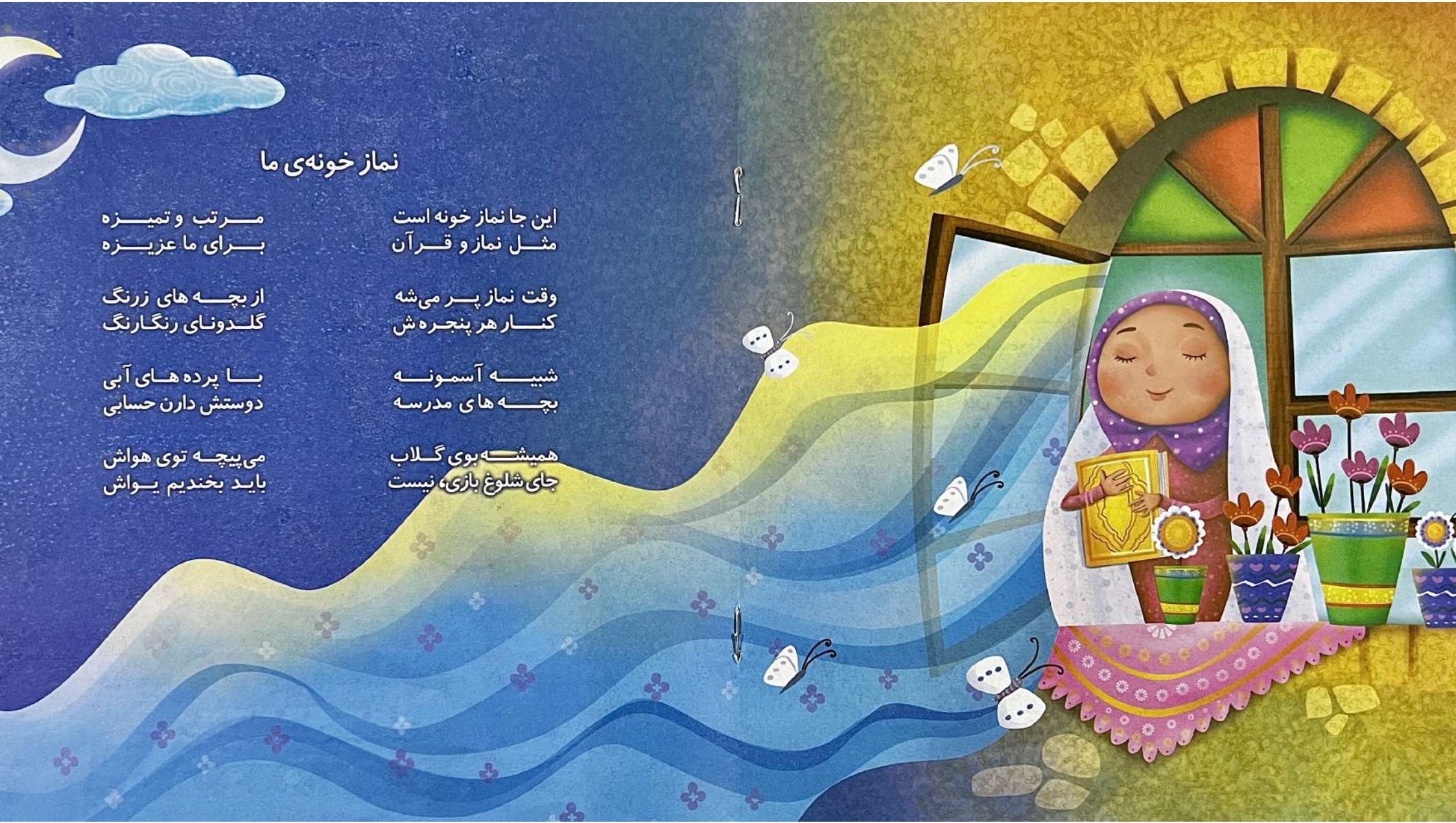
می‌پیچه توی هواش
باید بخندیم یواش

این جا نماز خونه است
مثل نماز و قرآن

وقت نماز پر می‌شه
کنار هر پنجره‌ش

شیشه آسمونه
بچه‌های مدرسه

همیشه بوی گلاب
جای شلوع بازی، نیست



کیک تولد

چقدر قشنگه امروز
چه رنگارنگه امروز

چشمن نماز گرفتیم
عکسای ناز گرفتیم

تو جشن سومی‌ها
بانه تاشمع زیبا

رو کیک نوشته بودند
مثل فرشته بودن

دل‌ها همه سفید بود
چشمن نماز و عید بود

رنگ رنگ! هزار رنگ
چراغونه مدرسه

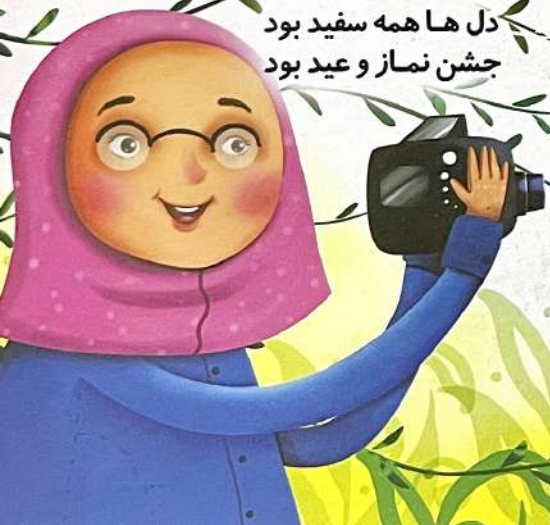
امروز توی مدرسه
ماماناهم اومدن

آورده بود معلم
یه کیک خیلی بزرگ

با کاکائو، آسما رو
همه با چادر نماز

چه جشن باشکوهی!
کاشکی تموم روزا

چشمن نماز



قاب عکس جدید

پنجره‌ی بازار رو بست
یک دفعه افتاد شکست

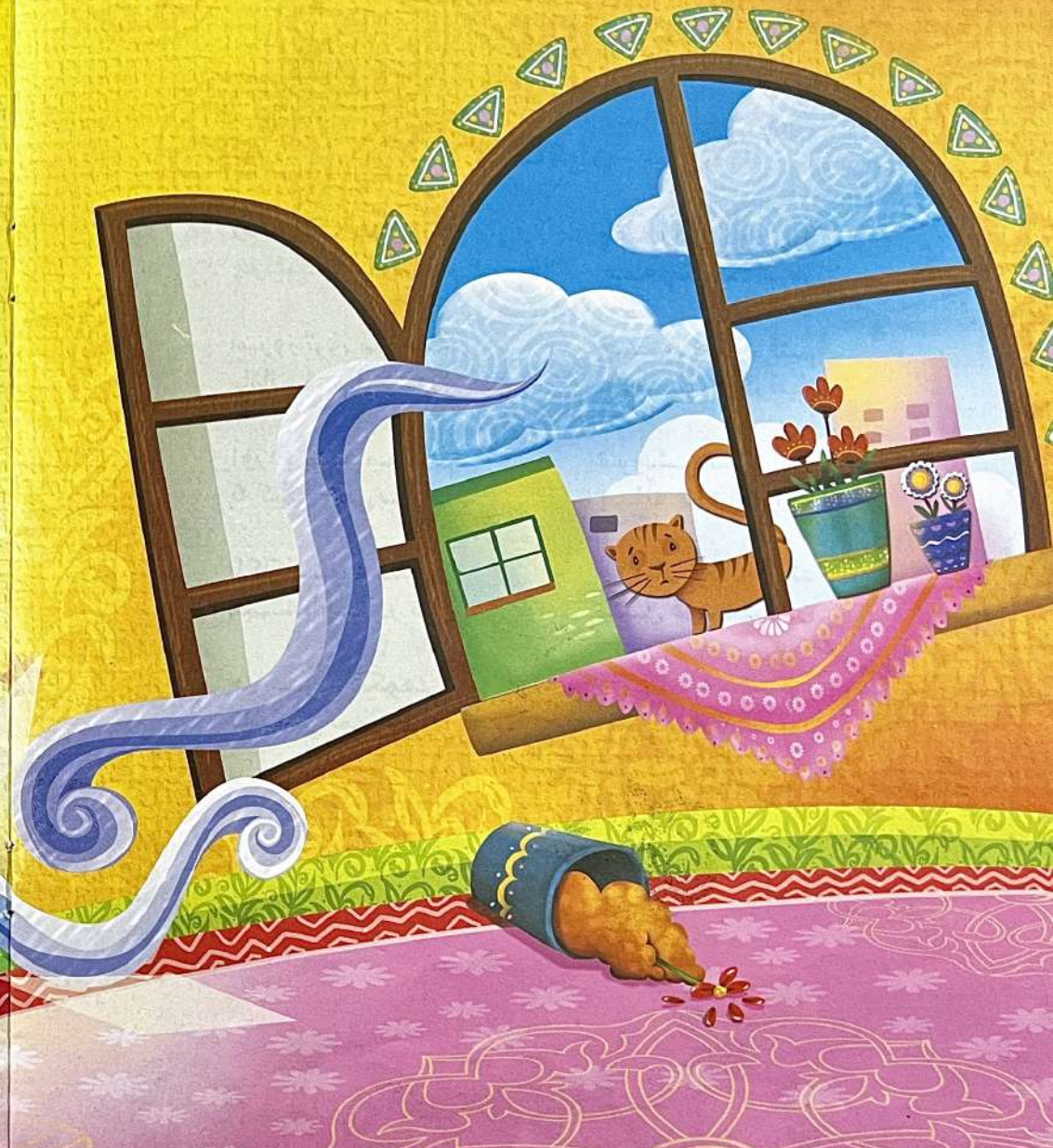
کنار خاله بودم
وقتی دو ساله بودم

دل‌م گرفت و شکست
اشکای کوچیک نشست

باد میومد خیلی تند
قابی که رو دیوار بود

من توی اون قاب عکس
گریه کردم توی عکس

وقتی شکست قاب عکس
توی نگاهم یواش



بعد نماز خندیدم
چیک چیکشو شنیدم

قاب جدید به خونه
بعد نماز تو اونه

خوش آب و رنگه بابا!
چقدر قشنگه بابا!

دیروز نماز می خوندم
بابا ازم عکس گرفت

حالا بابا آورده
که عکس خنده‌ی من

قاب عکس جدیدم
خنده‌ی بعد از نماز



دعای منم...

دارم دعای منم
تو رو صدای منم

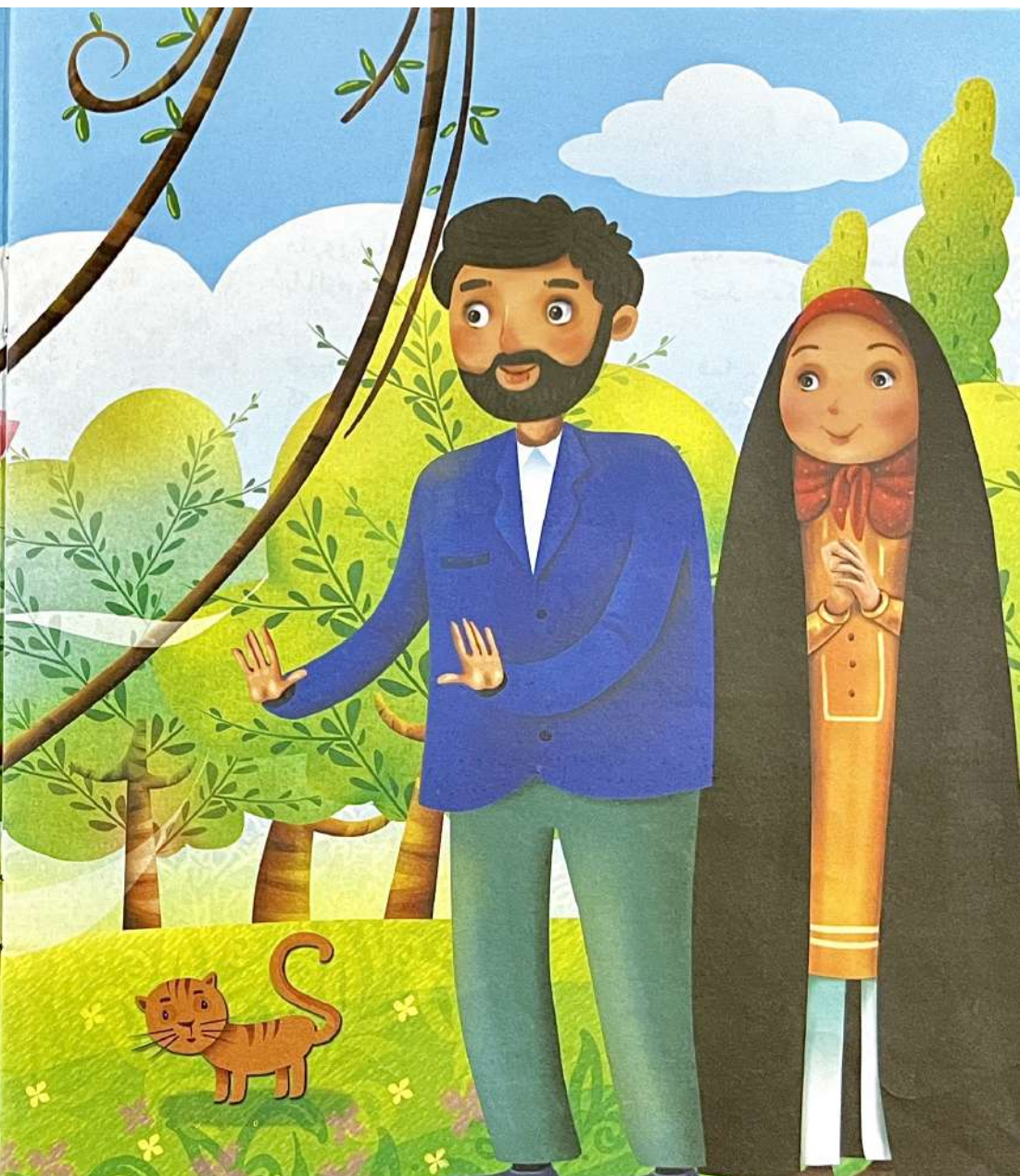
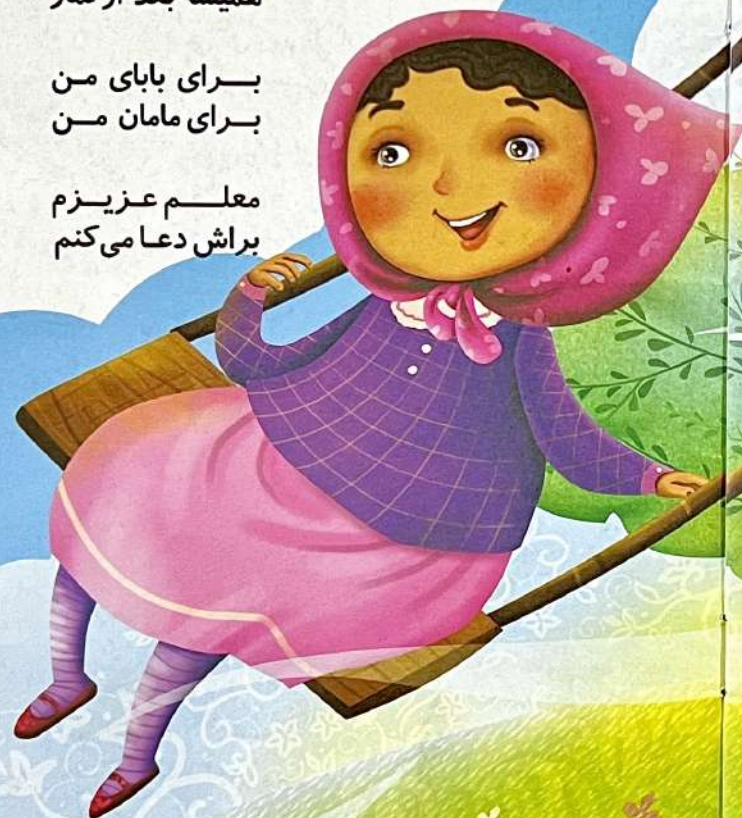
امید و قدرت بیار
مهر و محبت بیار

مثل تو مهر بونه
که مهر بون بمونه

سلام خدای بزرگ
همیشه بعد از نماز

برای بابای من
برای مامان من

معلم عزیزم
براش دعای منم





خنده بده شاد کن
از قفس آزاد کن

بی تو کسی ندارم
نمره‌ی بیست بیارم

زودی بیاد الهی
زودی بیاد الهی

دوستای خوب من رو
پرنده های ما رو

یه کاری کن ای خدا!
تو درس و تو زندگی

بارون و رنگین کمون
حضرت صاحب زمون